

تبیین حضور کم‌رنگ و کلای قم در عرصه نقل روایات

* سید ابراهیم موسوی

** سید جمال‌الدین موسوی

چکیده

شهر قم از دیرباز به دلیل تمرکز شیعیان در آن، پایگاهی شیعی به حساب می‌آمد. با تأسیس نهاد وکالت از زمان امام صادق (ع) و اوج‌گرفتن آن از زمان امام کاظم (ع)، قم نیز از این امر مستثنا نبوده و شاهد حضور وکلایی از دوره امامت امام رضا (ع) است. بررسی منابع روایی شیعه ما را به حضور کم‌رنگ و کلا در میراث حدیثی امامیه رهنمون می‌شود. این حضور کم‌رنگ نسبی بوده و در مقایسه با میراث روایی سایر روایان قمی معاصر با وکلا به دست آمده است. با توجه به انتخاب وکلا از خاندان‌های بزرگ و معتمد شیعه و انتساب محتوای روایات به روایان آنها، می‌توان حضور کم‌رنگ و کلا در عرصه روایات را در واردنشده به منازعات عقیدتی درون شیعی و در نتیجه بازماندن از انجام‌دادن وظایف اصلی نهاد وکالت پی‌گیری کرد.

کلیدواژه‌ها: وکالت، مدرسه حدیثی قم، وکلای قمی، طایفه اشعری.

* استادیار گروه فقه و اصول جامعه المصطفی (نویسنده مسئول) sabml338@gmail.com
** کارشناس ارشد علوم حدیث، گرایش کلام و عقاید، پژوهشگر پژوهشگاه قرآن و حدیث (پژوهشکده کلام

اهل بیت (ع) sjm900979@yahoo.com

[تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۱۴]

مقدمه

نهاد وکالت به معنای مجموعه‌ای از فعالیت‌های هماهنگ تحت رهبری واحد است که از عصر امام صادق (ع) به وجود آمد و وظایف مشخص و ویژگی‌های خاصی داشت. امامان معصوم بر این مجموعه نظارت و آن را هدایت می‌کردند و هر کدام از معصومان دارای سلسله فعالیت‌هایی متناسب با این مقام بودند؛ فعالیت‌هایی مانند تعیین یا عزل وکلا، معرفی شخصیت مثبت یا منفی آنان به جامعه شیعه، نظارت بر فعالیت وکلا، معرفی جریان‌های دروغین وکالت، تأمین مالی وکلا و ... نگاه به مجموعه سازمان وکالت در شیعه نشان می‌دهد در کنار امام کسانی به عنوان وکیل ارشد، نظارت بر فعالیت وکلای یک یا چند منطقه را بر عهده داشته‌اند (نک: اوحدی حائری، ۱۳۸۴: مقدمه).

این نهاد، که به‌ظاهر برای جمع‌آوری و تحویل وجوه و حقوق شرعی نظیر خمس، زکات و نذرهای اوقاف تأسیس شده بود، نقش علمی و دینی و نمایندگی در مرجعیت علمی داشت و در معرفی امام، بعد از وفات امام پیشین، نقش ارشادی ایفا می‌کرد و نامه‌های حاوی پرسش‌های شیعیان را به امام تحویل می‌داد (جباری، ۱۳۸۲: ۱/مقدمه).

با بررسی منابع روایی شیعه می‌بینیم که غالب آنان از کسانی انتخاب شده‌اند که ارتباط علمی گسترده با امام یا سایر روایت‌ها نداشتند، به گونه‌ای که بیشتر آنان روایات محدودی دارند و برخی هم فاقد روایت در منابع موجودند. این در حالی است که وکلا در طبقه و دوره‌ای حضور داشتند که امکان نقل روایت و انتقال آن فراهم بوده است. برای روشن‌تر شدن این مطلب فهرستی از برخی روایان قمی معاصر با وکلا و حجم تقریبی میراث حدیثی آنان را ذکر می‌کنیم تا اندک‌بودن میراث حدیثی وکلا در مقایسه با آنان ثابت شود: احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی با حدود ۱۴۰۰۰ روایت، احمد بن ادريس اشعری قمی با حدود ۲۰۰۰ روایت، سعد بن عبدالله اشعری قمی با حدود ۴۴۰۰ روایت، احمد بن محمد بن خالد برقی با حدود ۶۴۰۰ روایت و علی ابن ابراهیم قمی با حدود ۱۱۰۰۰ روایت.^۱

دقت در این نکته این احتمال را تقویت می‌کند که این‌گونه رفتار به صورت برنامه‌ریزی شده و در جهت هدفی مشخص صورت یافته است. شاید بتوان هدف آن را در واردنشدن وکلا به مباحث علمی و اختلافات عقیدتی پیگیری کرد. به بیانی دیگر،

وجود اختلافات سطحی میان جامعه شیعی و همراهی و کیل امام در شاخه‌ای خاص از آن، جایگاه و هدف تشکیل این سازمان را تهدید می‌کرد. این اختلاف گاه بر سر فرعی از موضوعات عقایدی و گاه درباره چگونگی تعامل با افرادی خاص از اصحاب ائمه (ع) بود.

قم و حوزه جغرافیایی آن نیز از این امر مستثنا نبود و وجود شیعیان و املاک و اوقاف فراوان در این منطقه، سبب حضور و فعالیت کلای بسیاری در این منطقه شد. گاه در یک دوره هم‌زمان، دو یا چند وکیل امور وکالت را عهده‌دار بودند.

حضور کم‌رنگ و کلای قمی در انتقال میراث حدیثی پرسش‌برانگیز است. به‌ویژه آنکه در این دوره، شهر قم میراثدار حدیثی کوفه است و بسیاری از روایات کوفه به قم رسیده و راویان حدیث به نقل و ضبط آن همت گماشته‌اند. این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی برای پرسش یادشده است و از میان فرضیه‌های مختلف، فرضیه واردنشدن گسترده آنان به حوزه نقل حدیث به دلیل پرهیز از ورود ناخواسته به نزاع‌های عقیدتی درون شیعی و به تبع آن آسیب‌رسیدن به نهاد وکالت و مخدوش شدن وجهه اجتماعی آن در راستای انجام وظایف وکالت را دنبال می‌کند.

در این پژوهش، ابتدا وکلای قم را اجمالاً معرفی و حجم میراث حدیثی آنان را بررسی می‌کنیم. سپس به جایگاه اجتماعی آنان اشاره می‌کنیم و در نهایت، فرضیه این پژوهش را به همراه شواهدش مطرح خواهیم کرد.

وکلای قم و میراث حدیثی آنان

وکلای قم بر اساس شواهد موجود شش نفرند که ادله و شواهد کافی بر وکالت آنان وجود دارد. این شش تن عبارت‌اند از: عبدالعزیز بن مهتدی، محمد بن احمد بن جعفر قمی، زکریا بن آدم، احمد بن حمزه بن الیسع قمی، صالح بن محمد بن سهل همدانی و احمد بن اسحاق قمی. بازه زمانی وکالت آنان نیز از امامت امام رضا (ع) تا امام حسن عسکری (ع) است.

۱. عبدالعزیز بن مهتدی

عبدالعزیز بن مهتدی یکی از راویان متقدم قم است که در دوره امام رضا (ع) در این

شهر حضور داشته است. نجاشی وی را ثقه و دارای کتاب معرفی کرده اما نامی از آن کتاب به میان نیاورده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۴۵). نام کامل وی عبدالعزیز بن مهتدی بن محمد بن عبدالعزیز است. تاریخ ولادت و وفاتش معلوم نیست اما گزارشی وجود دارد که در آن مکاتبه‌ای با امام جواد (ع) داشته است (کشی، ۱۴۰۹: ۵۰۶). وی همچنین نامه‌ای به امام جواد نگاشته و در آن با توجه به مخالفت قمی‌ها با یونس از امام پرسیده است. امام در پاسخ با خط خود می‌نگارد: «او را دوست بدار و بر او رحمت فرست گرچه اهالی شهر تو مخالفت کنند» (همان: ۴۸۹). با توجه به اینکه یونس بن عبدالرحمان در سال ۲۰۸ ه.ق. وفات یافته (حلی، ۱۴۱۱: ۱۸۴) عبارت «بر او رحمت فرست» که در این نامه آمده گویای وفات یونس در زمان نگارش نامه است و در نتیجه عبدالعزیز بن مهتدی حداقل تا سال ۲۰۸ ه.ق. در قید حیات بوده است.

نجاشی در ترجمه یونس بن عبدالرحمان و به نقل از فضل بن شاذان وی را وکیل و از اصحاب خاص امام رضا (ع) معرفی می‌کند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۴۷). برخی با استناد به گزارش کشی درباره مکاتبه‌ای^۲ که با امام محمدتقی (ع) دارد وی را وکیل امام جواد (ع) نیز دانسته‌اند (جباری، ۱۳۸۲: ۵۰۱/۲).

حضور عبدالعزیز در منابع روایی منحصر به نقل هفده حدیث غیرتکراری است.^۳ حجم اصلی میراث حدیثی عبدالعزیز بن المهتدی مشخص نیست و همان‌طور که اشاره شد در کتب فهرست فقط کتابی را به او نسبت داده‌اند. بنابراین، نمی‌توان مشخص کرد که میراث حدیثی وی چه مقدار بوده و چه حجمی از آن منتقل شده است. چهره غالب روایات باقی‌مانده از این راوی فقهی است، به گونه‌ای که در میان روایات یادشده فقط دو روایت اعتقادی دارد، که یکی پرسش از توحید است (کلینی، ۱۴۰۷: ۹۱/۱)؛ و روایت دوم درباره وراثت علم امام از انبیای پیشین است (همان: ۲۲۳).

با توجه به اینکه از عبدالعزیز بن المهتدی فقط یک کتاب گزارش شده است، می‌توان گفت کتاب وی شبیه کتاب‌های نوادر بوده که مشتمل بر ابواب مختلف، اعم از فقهی و عقیدتی، بوده است.

۲. محمد بن احمد بن جعفر قمی

شیخ طوسی در کتاب رجال در باب اصحاب امام حسن عسکری (ع) نام وی را

می‌آورد و می‌گوید: «محمد بن احمد بن جعفر القمی و کیله ادرك ابا الحسن عليه السلام» (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۰۲). با توجه به این عبارت وی باید زمان امام هادی (ع) را درک کرده باشد، گرچه از این عبارت و کالت وی از امام هادی (ع) به دست نمی‌آید. ابن شهر آشوب نیز در باب اصحاب امام حسن عسکری (ع)، تصریح به وکالت وی دارد: «و من وکلایه محمد بن احمد بن جعفر و جعفر بن سهیل و قد ادركا ابا و ابنه» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/۴۲۴). با توجه به این عبارت وی باید امام عصر را نیز درک کرده باشد. کشی در ترجمه ابوحامد مراغی مطلبی را درباره محمد بن احمد بن جعفر بیان می‌کند که گرچه تصریح به وکالت وی نشده اما متضمن آن است.^۴ طبری نیز در کتاب *دلائل الامامة* مطلبی درباره محمد بن احمد بن جعفر نقل می‌کند که دلالت بر جلالت و عظمت او دارد. در این گزارش نامه‌ای از ناحیه حضرت به عمری می‌رسد که به احمد دینوری می‌فرماید اموال را نزد محمد بن احمد بن جعفر قمی ببرید (طبری، ۱۴۱۳: ۵۲۳). از این گزارش دو نکته به دست می‌آید؛ یکی اینکه بعد از شهادت امام عسکری (ع) محمد بن احمد بن جعفر ساکن بغداد بوده است؛ و دیگر اینکه با وجود نایب آن حضرت، یعنی عمری، و کلای آن حضرت نیز فعال، و با نایب در ارتباط بوده‌اند.

نام محمد بن احمد بن جعفر قمی در اسناد منابع روایی وجود ندارد. با جست‌وجو در نرم‌افزارهای مختلف حدیثی و رجالی همچون جامع الاحادیث و درایة النور نمی‌توان سند روایتی را پیدا کرد که نام وی در آن وجود داشته باشد. بنابراین، نمی‌توان او را در زمره محدثان به شمار آورد و اساساً وی شخصیت روایی نداشته است.

۳. زکریا بن آدم

نام وی زکریا بن آدم بن عبدالله بن سعد اشعری قمی است. نجاشی او را ثقه، جلیل، عظیم‌القدر و دارای آبرو و اعتبار نزد امام رضا (ع) ذکر کرده است. دارای دو کتاب است که یکی *مسائله الی الرضا* است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۷۴). شیخ طوسی در کتاب *رجال* ابتدا نام وی را در باب اصحاب امام صادق (ع) و سپس در باب اصحاب امام رضا (ع) و در نهایت در باب اصحاب امام جواد (ع) آورده است (نک: طوسی، ۱۳۷۳: ۲۱۰، ۳۵۸ و ۳۷۵). با توجه به عبارت شیخ طوسی، وی باید زمان چهار امام را درک کرده باشد. عبدالله بن الصلت قمی روایتی را از امام جواد (ع) درباره زکریا بن آدم نقل می‌کند که

دلالت بر وفات وی در اواخر عمر امام جواد (ع) (سال ۲۲۰) دارد (کشی، ۱۴۰۹: ۵۰۴). به هر حال پذیرش گزارش شیخ طوسی و تطبیق زکریا بن آدم که در اصحاب امام صادق (ع) ذکر شده با زکریا بن آدم بن عبدالله اشعری قمی بسیار مشکل است، خصوصاً که شیخ طوسی در این نقل منفرد است و قرینه‌ای بر صحت آن وجود ندارد.

گزارشی در کتاب کشی وجود دارد که در آن محمد بن اسحاق و حسن بن محمد بن عمران بعد از گذشت سه ماه از وفات زکریا بن آدم به قصد حج، ظاهراً از قم، خارج می‌شوند و در میان راه، نامه‌ای از امام، که با توجه به قرائن، منظور امام جواد (ع) است، به دست آنها می‌رسد و در آن، بعد از تمجید و طلب مغفرت برای او حسن بن محمد بن عمران را به عنوان جانشین وی معین می‌کنند که این خود یکی از قرائن دال بر وکالت زکریا بن آدم است (همان: ۵۹۶).

از دیگر قرائن دال بر وکالت وی، گزارش احمد بن محمد بن عیسی اشعری است. بر اساس این گزارش، اموالی متعلق به امام نزد زکریا بن آدم موجود بوده و او به دلیل اختلاف دو نفر از نمایندگان امام، از تحویل اموال به آنان خودداری کرده است (همان: ۵۹۶). این مطلب از قرائن دال بر وکالت وی است. زیرا اموال امام، نزد وکلای آن حضرت وجود داشت.

وی نامه‌نگاری‌ها و پرسش‌های کتبی از امامان داشته و همچنین مؤلف کتابی است که نام آن معلوم نیست (طوسی، ۱۴۲۰: ۲۰۷). نام وی در ۲۵ روایت از روایات کتب اربعه وجود دارد که همگی آنها روایات فقهی هستند (برای نمونه نک: کلینی، ۱۴۰۷: ۴۲۲/۶؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۷۸/۲). بیشتر روایات وی نیز نقل بی‌واسطه از امام رضا (ع) است. در سایر منابع روایی، سه روایت اعتقادی از زکریا بن آدم وجود دارد که در موضوعاتی مانند نص بر جانشینی امام رضا (ع) و امام جواد (ع) و رجعت است (نک: اسکافی، ۱۴۰۴: ۴۱؛ مسعودی، ۱۴۲۶: ۲۱۸؛ خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۲۷۲).

۴. احمد بن حمزه بن الیسع قمی

نام وی احمد بن حمزه بن الیسع بن عبدالله قمی است. ثقه و دارای کتاب نوادر است. پدرش حمزه بن الیسع، از اصحاب امام رضا (ع) بوده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۹۰). ابن شهر آشوب در باب اصحاب امام هادی (ع)، احمد بن حمزه بن الیسع و صالح بن

تبیین حضور کم‌رنگ و کلای قم در عرصه نقل روایات / ۷۹

محمد الهمدانی را از ثقات اصحاب امام ذکر می‌کند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴۰۲/۴ و ۴۰۳). شیخ طوسی نیز عبارتی را بیان می‌کند که نشان از وکالت وی دارد.

بر اساس این گزارش، در زمان سفرا و نواب امام دوازدهم و در زمان غیبت صغری افراد ثقه و مُعْتَمَد وجود داشتند که توقیعات بر آنان وارد می‌شده است. احمد بن اسحاق قمی و احمد بن حمزة بن الیسع و صالح بن محمد همدانی در زمره این افرادند (طوسی، ۱۴۱۱ الف: ۴۱۷). با توجه به ورود توقیع بر این افراد و ذکر نام احمد بن حمزة در کنار احمد بن اسحاق و صالح بن محمد، که هر دو از وکلا بوده‌اند، می‌توان وی را نیز از وکلا به حساب آورد. نکته دیگر اینکه بسیاری از توثیقات وارد شده از امام عسکری (ع) و حضرت حجت (ع) در آن دوران برای اعتماد شیعیان به آنان در امور وکالت و تأیید سخنان آنان از جانب مردم بوده است. توقیعات متعددی وجود دارد که در آن امام برای پرداخت اموال و وجوهات شرعی، شیعیان را به افراد معینی ارجاع داده و در پایان هم وی را از ثقات شمرده‌اند (برای نمونه نک.: همان: ۴۱۵ و ۴۱۶).

در کتب اربعه بیست روایت از احمد بن حمزة وجود دارد که همگی آنها فقهی است و در هشت جا، مستقیم و بی‌واسطه از امام هادی (ع) نقل می‌کند (نک.: کلینی، ۱۴۰۷: ۵۵۲/۳ و ۵۵۳؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۴۶/۴ و ۵۴؛ طوسی، ۱۳۹۰: ۳۵/۴۲). در کتاب *الامامة والتبصرة* روایتی درباره ابطال امامت عبدالله افطح وجود دارد که راوی آن احمد بن حمزة است و متضمن لعن عبدالله و ابطال ادعای امامت او از جانب امام کاظم (ع) (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۷۰). از وی روایتی اخلاقی نیز در *خصال* وجود دارد (صدوق، ۱۳۶۲: ۱۰۷/۱).

۵. صالح بن محمد بن سهل همدانی

این نام در دو جا در کتاب *رجال* طوسی ذکر شده است. در باب اصحاب امام جواد (ع) با نام صالح بن محمد الهمدانی و در باب اصحاب امام هادی (ع) با همین نام و ثقه معرفی شده است (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۷۷ و ۳۸۸). روایتی در کافی وجود دارد که همراه دلالت بر وکالت وی، نشانه‌ای از ذم نیز در آن هست. در این روایت صالح بن محمد بن سهل، از طرف امام متولی اوقاف در قم معرفی شده است. وی پس از مصرف ده‌هزار دینار از اموال وقف، از امام اجازه آن را می‌خواهد. امام پس از رفتن صالح بن

محمد او را به دلیل مصرف اموال وقف توبیخ و سرزنش می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۴۸/۱). در منابع روایی فقط یک روایت وجود دارد که راوی آن صالح بن محمد است. این روایت در کتاب تهذیب است و مضمون آن ثواب زیارت امام رضا (ع) است (طوسی، ۱۴۰۷: ۸۵/۶).

۶. احمد بن اسحاق قمی

نام وی احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد بن مالک بن الاحوص الاشعری است. از بزرگان قم و ثقات اصحاب است. از امام جواد (ع)، امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) روایت نقل کرده و از خواص اصحاب امام عسکری به شمار می‌آید. وی وافد القمیین (کسی که به محضر ائمه شریفیاب می‌شده) معرفی شده است. کتاب *علل الصوم*، که کتاب بزرگی بوده، و همچنین کتاب *مسائل الرجال* از تألیفات او است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۹۱).

درباره وکالت وی مطالب فراوانی وجود دارد. در کتاب *تاریخ قم* از وی به عنوان وکیل امام عسکری (ع) در امور موقوفات قم یاد شده است (قمی، ۱۳۶۱: ۲۱۱). طبری نیز تصریح به وکالت وی دارد (طبری، ۱۴۱۳: ۵۰۳). طبری در گزارش پیشین، احمد بن اسحاق را وکیل امام عسکری (ع) و پس از وفات ایشان وکیل امام عصر معرفی می‌کند که توقیعات امام به دست وی می‌رسید و شیعیان اموال و وجوه شرعیه را از طریق او به امام می‌رساندند (همان).

میراث حدیثی احمد بن اسحاق در حدود صد روایت غیرتکراری در منابع روایی است.^۵ بیشتر روایات وی فقهی است، اما روایات کلامی نیز از او بر جای مانده است که عمدتاً بر محور مهدویت و علائم ظهور امام عصر است (برای نمونه نک: حمیری، ۱۴۱۳: ۳۲؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۲۰؛ خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۲۹۵). احمد بن اسحاق از خواص امام عسکری (ع) و از معدود افرادی بوده است که در زمان حیات امام از ولادت فرزند ایشان اطلاع داشته است (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۲۹۵).

جایگاه اجتماعی وکلا

چنان‌که پیش‌تر گذشت، مهم‌ترین وظایف وکلا را می‌توان جمع‌آوری و سامان‌دهی

اموال امام، اعم از اوقاف و ندور، وجوه شرعی و حلقه اتصال شیعیان با امام و دریافت و ارسال نامه‌های آنان دانست. بررسی در احوال بیشتر آنان نشان از جایگاه و موقعیت برجسته آنان از لحاظ خانوادگی و اجتماعی دارد. غالب آنان از خاندان‌های شناخته‌شده، مُعْتَمَد و محترم نزد جامعه شیعی به شمار می‌روند و اساساً وکالت با امانت در هم آمیخته است و در عرف عقلا نیز وضع به همین منوال است. گرچه به دلیل اعتقادات شیعه، انتخاب وکیل از جانب امام به‌تنهایی باعث جلب اعتماد جامعه شیعی به وکیل می‌شد اما انتخاب آنان از میان خاندان‌های شناخته‌شده و مقبول جامعه، این اعتماد را دوچندان می‌کرد و راه را برای انجام‌دادن بهتر فعالیت‌ها برای وکیل هموارتر می‌کرد.

خاندان اشعری از خاندان‌های بانفوذ و معتبر قمی است که در اواخر قرن اول به قم مهاجرت کردند (قمی، ۱۳۶۱: ۳۵۲). این خانواده تا بدانجا پیش رفت که در قرن دوم و سوم شمار فراوانی از آنان از محدثان بنام امامیه شدند. نام‌گذاری بسیاری از میدان‌ها و پل‌های قم به نام افراد سرشناسی از طایفه اشعری، خود گواه مقبولیت و نفوذ آنان در شهر قم است (همان: ۴۰ و ۴۱). عبدالعزیز بن مهتدی از خاندان اشعری به شمار آمده و در منابع رجالی با پسوند «اشعری قمی» از وی یاد شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۴۵).

زکریا بن آدم از وکلای خاندان بزرگ اشعری است. نام کامل وی زکریا بن آدم بن عبدالله بن سعد اشعری قمی است (همان: ۱۷۴). مسعودی در کتاب *اثبات الوصیة* داستانی را گزارش می‌کند که حکایت از جایگاه و موقعیت والای زکریا بن آدم در قم می‌کند. بر اساس این نقل، اموالی متعلق به امام نزد زکریا بن آدم موجود بوده و او به دلیل اختلاف دو نفر از نمایندگان حضرت اموال مذکور را به آنان نداده است. در انتهای این گزارش، پس از ارسال اموال از سوی زکریا بن آدم، امام به احمد اشعری راوی این گزارش می‌فرماید: «تردید و شک برطرف شد. پدرم فرزندی غیر از من نداشت» (کشی، ۱۴۰۹: ۵۹۶). ظاهر این عبارت، تردید زکریا بن آدم در امامت امام جواد (ع) و به تبع خودداری از ارسال اموال برای امام است که با روایتی از امام رضا (ع) که دلالت بر امامت امام جواد (ع) می‌کند و راوی آن هم زکریا بن آدم است منافات دارد (مسعودی، ۱۴۲۶: ۲۱۸)؛ و از سوی دیگر در متن گزارش، از قول زکریا بن آدم اختلاف میان میمون و مسافر (دو تن از نمایندگان امام)، علت ارسال‌نشدن اموال بیان شده است. با توجه به موقعیت و جایگاه اجتماعی زکریا در قم و وکالت وی، بعد از ارسال اموال از سوی او

برای امام جواد (ع)، شک و تردید مردم قم در این باره برطرف شده و امامت امام جواد (ع) را پذیرفته‌اند و امام نیز در این حدیث اشاره به همین مطلب کرده‌اند و این خود از بهترین شواهد برای اثبات جایگاه اجتماعی وکلا و نقش محوری آنان در حل و فصل مسائلی از این دست است.

احمد بن حمزة بن الیسع نیز از خاندان بانفوذ اشعری است (قمی، ۱۳۶۱: ۱۰۱). خاندان الیسع در قم از عزت و اعتبار خاصی برخوردار بودند. حمزة بن الیسع، که پدر احمد است، در سال ۱۸۳ ه.ق. به دربار هارون می‌رود و تقاضای جدایی خراج قم از اصفهان را می‌کند. هارون درخواست وی را اجابت می‌کند و یکی از کارگزاران خود را به همراه او برای اندازه‌گیری مساحت زمین‌ها به قم می‌فرستد. بعدها ابزار اندازه‌گیری که حمزه با خود به قم آورده بود به مساحت حمزة بن الیسع و مساحت رشیدیه معروف شد (همان: ۱۰۱). میدانی در قم نیز به نام الیسع وجود داشته که نشان از بزرگی و شهرت این خاندان در قم دارد (همان). شواهد یادشده به‌خوبی گواه جایگاه و موقعیت اجتماعی احمد بن حمزة به عنوان وکیل از جانب ائمه (ع) در قم است.

احمد بن اسحاق قمی نیز از نوادگان سعد بن احوص اشعری و از بزرگان این طایفه است. در وصف موقعیت و جایگاه وی همین بس که او را «وافد القمیین» دانسته‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۹۱). به دلیل شهرت وی در قم و ارتباط گسترده‌اش با امام حسن عسکری (ع) اطلاعات بیشتری درباره وی وجود دارد. احمد بن اسحاق از معدود افرادی است که در سال‌های آغازین غیبت صغری موفق به دیدار امام دوازدهم شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳۰/۱).

صالح بن محمد بن سهل همدانی نیز از خاندانی مشهور و از قبیله «همدان» است. این خاندان شاهد حضور تنی چند از وکلا است. پدر وی، محمد بن سهل همدانی، از وکلای مشهور است (کشی، ۱۴۰۹: ۵۸۰). قاسم بن علاء همدانی از دیگر وکیلان این قبیله و از وکلای امام عسکری (ع) بوده است (طوسی، ۱۴۱۱ ب: ۸۲۶/۲).

در مجموع، با توجه به مطالب یادشده، این نکته به دست می‌آید که غالب وکلا از میان خاندان‌های مشهور و بانفوذ و ثقه انتخاب می‌شدند و این نکته در ایفای بهتر وظایف آنان نقش مهمی داشت.

نقل راویان نشانگر اعتقاد آنان

بر اساس شواهد موجود، روش پیشینیان در پذیرفتن و نپذیرفتن روایات، با روش موجود تفاوت بسیاری داشته است. هر دو روش در اصل اعتماد و اطمینان به صدور حدیث اشتراک دارند اما پیشینیان اطمینان یادشده را در اموری مانند محتوای حدیث و وجود روایت در نسخه‌های معروف و مشهور و عرضه‌شده بر مشایخ حدیثی می‌دانستند. در روش جدید این اطمینان و اعتماد از راه وثاقت راوی به دست می‌آید (حسینی و حمادی، ۱۳۹۳: ۳۲-۳۶). نکته مهم‌تر اینکه در روش قدما نقل روایت به معنای پذیرش مضمون آن از سوی راوی و نقل نشدن آن به معنای نپذیرفتن یا دست‌کم توقف در مضمون و محتوای روایت است. در ادامه به شواهد این مطلب اشاره خواهیم کرد.

روش پیشینیان و مشایخ حدیثی امامیه در پذیرش یا رد روایات، بررسی محتوای آن بود. بر همین اساس در صورت پذیرش روایات یک فرد، که غالباً در ضمن آثار مکتوب بوده است، اعتماد به وی حاصل شده و او را ثقة می‌دانستند؛ و در صورت نپذیرفتن آن روایات حکم به ضعف وی می‌کردند. البته این روش وقتی بود که خود راوی احادیث را گرد آورد. اما اگر وی در طریق نقل آن قرار داشت و فقط نقش واسطه‌گری در نقل حدیث را ایفا می‌کرد، و آن روایت از نسخه‌های مکتوب و مشهور و قابل اعتماد گزارش می‌شد، به روایات وی اعتماد می‌کردند، هرچند خود او را ثقة نمی‌دانستند (همان: ۴۹). این واکنش در واقع، نشانه اعتماد به آن اصل و مکتوب حدیثی به شمار می‌آمد. نقل افراد ثقة از افراد ضعیف و احیاناً متهم به جعل و وضع در همین چارچوب تبیین می‌شود. به دلیل پذیرش محتوای روایت یا وجود آن در نسخه‌های فراوان و قابل اعتماد، آن روایت پذیرفته شده و راویان نیز به نقل آن مبادرت می‌ورزیدند، گرچه راوی آن روایت فردی ضعیف باشد. مثلاً فردی مانند ابن ادریس قمی که به ابوعلی اشعری نیز معروف است و تمامی منابع رجالی وی را توثیق کرده‌اند، راوی روایاتی است که در سند آن افرادی مانند محمد بن حسان رازی، محمد بن علی معروف به ابوسمینه و سهل بن زیاد آدمی قرار دارند (نک: کلینی، ۱۴۰۷: ۳۴۳/۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۰۹/۲).^۱ وجود روایات فراوان در کتاب کافی از افراد ضعیف نیز به همین نحو تبیین‌پذیر است.

پدیده استثنا از دیگر شواهد این مطلب است. توضیح اینکه، در طریق به آثار مکتوب که در منابع فهرستی انعکاس یافته است، گاه فرد یا افرادی یا بخشی از آثار

راوی خاصی استثنا شده و راوی آن از نقل کتاب یادشده امتناع می‌ورزد. مستثنیات ابن‌ولید (از مشایخ صدوق) در این زمینه معروف است (برای نمونه نک: نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۴۸). بر این اساس، هر گاه راوی مضمون حدیثی را نپذیرد یا درباره مجموعه حدیثی خاصی چنین دیدگاهی داشته باشد از نقل آن امتناع می‌کند که در اصطلاح علم‌الحدیث، استثنا نامیده می‌شود (برای اطلاع بیشتر از پدیده استثنا، نک: شاکر، ۱۳۹۲). نپذیرفتن مضمون حدیث از سوی راوی می‌تواند به دلایلی همچون ناسازگاری با اصول مسلم امامیه یا دیدگاه‌های کلامی متفاوت باشد (برای اطلاع بیشتر نک: حمادی و حسینی، ۱۳۹۳).

تحلیل حضور کم‌رنگ و کلا در میراث روایی شیعه

در گام نخست، فهرستی از وکلای قم به همراه شرح‌حالی کوتاه و شواهد بر وکالت آنان ذکر شد. افزون بر این، حجم میراث روایی آنان نیز بررسی شد تا شواهد بر مدعای این نوشته مبنی بر حضور کم‌رنگ و کلا در میراث روایی شیعه ذکر شود. بر اساس شواهد یادشده، وکلای قم با وجود رونق نقل و انتقال حدیث و آثار حدیثی از کوفه به قم در آن دوره، حضور جدی در انتقال روایات نداشته‌اند و میراث حدیثی اندک برجای مانده از آنان نیز غالباً فقهی است.

در گام دوم، جایگاه اجتماعی و موقعیت قبیله‌ای و کلا بررسی شد. بر اساس شواهد مذکور، غالب وکلا از خاندان‌های شناخته‌شده و بانفوذ قم هستند که مهم‌ترین آنها طایفه اشعری است. انتخاب وکیل از میان چنین طایفه‌هایی از جانب امام می‌تواند به دلیل مقبولیت بیشتر آنان و تسریع در انجام‌دادن وظایف مربوط به نهاد وکالت باشد. در گام سوم نیز معتقد بودن راویان به مضمون روایاتی که نقل می‌کنند به اثبات رسید. بدین معنا که نقل روایت به معنای پذیرش مضمون آن و التزام به آن است و راوی تمامی لوازم و تبعات آن را می‌پذیرد.

از مجموع سه گام فوق، می‌توان چرایی کم‌روایت بودن وکلا را حدس زد. در حقیقت سه مقدمه پیشین به فرضیه‌سازی در این باره کمک می‌کند و ما را به فرضیه مطرح شده در ابتدای این نوشته رهنمون می‌شود. بر این اساس، به دلیل جایگاه ویژه و حساس نهاد وکالت، غالب وکلا از خاندان‌های بانفوذ و ثقه انتخاب می‌شدند و این باعث تسریع در روند انجام وظایف وکالت می‌شد. حال با توجه به مقدمه سوم (نقل

راویان نشانگر اعتقاد آنان)، هر گاه وکلا اقدام به نقل گسترده احادیث، به‌ویژه احادیث اعتقادی، کنند، به دلیل وجود جریان‌های مختلفی در میان روات، مانند غلات و مفوضه، وکیل امام ناخودآگاه وارد این نزاع‌های عقیدتی شده و با نقل دسته‌ای از احادیث، مضمون آنها را پذیرفته است. این مسئله از سویی به دلیل ارتباط وکیل با امام، باعث ازدیاد شک و تردید و افزایش دامنه اختلافات عقیدتی می‌شد و از سوی دیگر با وارد شدن وکیل به عرصه منازعات عقیدتی، وی از انجام دادن وظایف اصلی وکالت باز می‌ماند. به همین دلیل، وکلا همیشه در متن نقل و انتقالات روایی و سلسله استاد و شاگردی قرار نداشتند و احياناً در صورت نقل روایت به مقدار کمی، آن هم در حاشیه این جریان‌ها، فعالیت می‌کردند. در ادامه دو شاهد بر اثبات این فرضیه اقامه خواهد شد.

۱. احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی از راویان بزرگ قمی و از بزرگان طایفه

اشعری است. وی حضور چند امام را درک کرده و از لحاظ تاریخی با چند تن از وکلای قمی هم‌عصر است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۲). وی در زمان حیات خود چند تن از راویان را به دلایلی همچون غلو و نقل از ضعفا از قم اخراج کرد. سهل بن زیاد آدمی، محمد بن علی صیرفی ملقب به ابوسمینه و احمد بن محمد بن خالد برقی افرادی هستند که احمد اشعری آنان را از قم اخراج کرد (برای اطلاع بیشتر نک: نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۸۵ و ۳۳۲؛ ابن‌غضائری، ۱۳۶۴: ۳۹). پدیده اخراج در قم از بارزترین رویدادهای اجتماعی و عقیدتی در آن دوره به حساب آمده و اوج مبارزه با جریان‌های انحرافی به شمار می‌آید. اما با این حال هیچ رد پایی از وکلایی همچون عبدالعزیز بن مهتدی، زکریا بن آدم و محمد بن احمد بن جعفر قمی، که معاصر با احمد اشعری هستند، در این ماجرا دیده نمی‌شود. اگر وکلا در این اخراج‌ها ورود پیدا می‌کردند به دلیل ارتباط آنان با امام، شک و تردیدها بیشتر می‌شد و دامنه اختلافات درون‌مذهبی افزایش می‌یافت. نیز با حمایت از جریانی خاص، مقبولیت عام آنان خدشه‌دار می‌شد و سبب می‌گردید انجام دادن وظایف وکالت مختل شود.

۲. امام حسن عسکری (ع)، یکی از وکلای خود در عراق به نام ایوب بن الناب را برای جمع‌آوری اموال به نیشابور می‌فرستد. این وکیل در نیشابور نزد عده‌ای از شیعیان که مذهب غلو و تفویض داشتند اقامت می‌کند. پس از این واقعه فضل بن شاذان در وکالت این فرد از جانب امام تردید، و مردم را از پرداختن اموال به این وکیل منع

می‌کند (کشی، ۱۴۰۹: ۵۴۳). در این واقعه تاریخی، وکیل امام فقط به دلیل اقامت نزد افرادی که منسوب به جریان‌هایی خاص مانند غلات و مفوضه هستند، در معرض اتهام قرار گرفته و از انجام دادن وظایف وکالت خود، که جمع‌آوری اموال امام بود، باز مانده است. این گزارش تاریخی شاهدهی دیگر بر فرضیه این پژوهش در خصوص واردنشدن وکلا به حوزه نقل احادیث است. چنان‌که پیش‌تر بدان اشاره شد، نقل روایت به معنای پذیرش مضمون آن از سوی راوی است و ورود وکلا به حوزه نقل روایات، به‌خصوص روایات اعتقادی که در آنها اختلافاتی میان اصحاب امامیه وجود داشت، می‌توانست آسیب جدی به نهاد وکالت وارد آورد.

نتیجه

۱. قم و نواحی اطراف آن یکی از مراکز مهم تجمع شیعیان از نیمه دوم قرن دوم بود. افزون بر این، به دلیل وجود موقوفات بسیاری در این نواحی، جمع‌آوری اموال و سازمان‌دهی آنها نیازمند نظارت وکلایی بود که از جانب امامان منصوب می‌شدند. اوج فعالیت وکلای قم از زمان امامت امام رضا (ع) آغاز شد و تا پایان زندگانی امام یازدهم ادامه یافت.

۲. وکلای قمی در میراث حدیثی شیعه حضور کم‌رنگی دارند. آثار حدیثی برجای مانده از آنان نیز رنگ فقهی داشته و احادیث اعتقادی کمتر به چشم می‌خورد. علاوه بر این، غالب آنان نه اثر حدیثی تألیف کرده‌اند و نه در طریق نقل و انتقال آثار قرار دارند. نگاه‌های حدیثی برخی از وکلای یادشده نیز در مقایسه با سایر راویان هم‌طبقه و هم‌عصرشان بسیار اندک است.

۳. وظایف نهاد وکالت اقتضای آن را داشت تا وکلا از میان خاندان‌های شناخته‌شده و بانفوذ شیعی انتخاب شوند. این کار راه را برای تحقق بهتر وظایف وکیل هموار می‌کرد. این مسئله به اضافه معتقدبودن راویان به روایاتی که نقل می‌کردند، باعث می‌شد وکلا کمتر به حوزه نقل روایات ورود کنند و در نتیجه بدون ایجاد هر گونه حاشیه و شک و شبهه، وظایف مربوط به نهاد وکالت را انجام دهند.

۴. بر اساس مطالب پیش‌گفته، می‌توان حوزه وکالت یا به تعبیری حوزه امور اجرایی را از حوزه علمی تفکیک کرد. وظایف حوزه وکالت، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، ارتباط

و نامه‌نگاری با امام و پاسخ پرسش‌های شیعیان از امام، دریافت اموال مربوط به امام و رساندن آنها به دست امام و رسیدگی به امور این اموال است. در حالی که وظیفه حوزه علمی و دانشمندان امامیه، حفظ سلسله استاد و شاگردی و اخذ، انتقال و احیاناً کتابت آثار حدیثی است. دخالت هر کدام از این دو قشر در کار قشر دیگر موجب اختلال در انجام دادن وظایف گروه دیگر خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. این آمار بر اساس جست‌وجو در اسناد کتب اربعه از نرم‌افزار درایة‌النور به دست آمده و این حجم از روایات فقط مربوط به کتب اربعه است. قطعاً جست‌وجو در سایر منابع روایی بر این تعداد خواهد افزود.
۲. مُحَمَّدُ بْنُ مُسْعُودٍ، قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ، أَوْ مَنْ رَوَاهُ عَنْهُ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ كَتَبْتُ إِلَيْهِ أَنْ لَكَ مَعِيَ شَيْئاً فَمُرْنِي بِأَمْرِكَ فِيهِ إِلَيَّ مِنْ أَدْفَعُهُ! فَكَتَبَ: إِنِّي قَبَضْتُ مَا فِي هَذِهِ الرَّقْعَةِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَغَفَرَ اللَّهُ ذَنْبَكَ وَرَحِمَنَا وَإِيَّاكَ وَرَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ بَرِضَايَ عَنْكَ (كشی، ۱۴۰۹: ۵۰۶).
۳. این آمار و سایر آمار روایات دیگر و کلا بر اساس نرم‌افزار جامع الاحادیث گردآوری شده است.
۴. علی بن محمد بن قتیبة، قال: حدثني أبو حامد أحمد بن إبراهيم المراغي، قال: كتب أبو جعفر محمد بن أحمد بن جعفر القمي العطار، و ليس له ثالث في الأرض في القرب من الأصل، يصفنا لصاحب الناحية عليه السلام (كشی، ۱۴۰۹: ۵۳۴).
۵. این آمار بر اساس نرم‌افزار جامع الاحادیث به دست آمده است.
۶. تمامی این افراد تضعیف و متهم به غلو شده‌اند.

منابع

- ابن بابویه، علی بن الحسین (۱۴۰۴). *الامامة والتنصرة من الحيرة*، قم: مدرسه امام مهدی.
- ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۴). *رجال ابن غضائری*، قم: دار الحدیث.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). *کامل الزیارات*، نجف اشرف: دار المرتضویه.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹). *مناقب آل ابی طالب*، قم: علامه.
- اسکافی، محمد بن همام (۱۴۰۴). *التمحیص*، قم: مدرسه امام مهدی.
- اوحدی حائری، پروین دخت (۱۳۸۴). *سازمان وکالت در سیره امامان شیعه*، در: *شیعه شناسی*، ش ۹، ص ۱۶۹-۱۷۸.
- جباری، محمدرضا (۱۳۸۲). *سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه (ع)*، قم: مؤسسه امام خمینی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل البیت.
- حسینی، سید علیرضا؛ حمادی، عبدالرضا (۱۳۹۳). «جایگاه نقد محتوایی در اعتبارسنجی احادیث شیعه»، در: *پژوهش های قرآن و حدیث*، ش ۱۰، ص ۲۷-۵۲.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱). *رجال علامه*، نجف: دار الذخائر.
- حمیری، عبد الله بن جعفر (۱۴۱۳). *قرب الاسناد*، قم: آل البیت.
- خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱). *کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنا عشر*، قم: بیدار.
- شاکر، محمدتقی (۱۳۹۲). «ابن ولید و مستثنیات وی»، در: *حدیث پژوهی*، ش ۹، ص ۵۱-۷۸.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الخصال*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- طبری آملی، محمد بن جریر (۱۴۱۳). *دلائل الامامة*، قم: بعثت.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳). *رجال طوسی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰). *الاستبصار فیما اختلف من الاخبار*، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). *تهذیب الاحکام* (خرسان)، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ الف). *الغیبة*، قم: دار المعارف اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ ب). *مصباح المتعجد و سلاح المتعبد*، بیروت: مؤسسه فقه شیعه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰). *فهرست کتب الشیعة و اصولهم*، قم: کتابخانه محقق طباطبایی.
- قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱). *تاریخ قم*، تهران: توس.
- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). *رجال کشی*، قم: مؤسسه آل البیت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۶). *اثبات الوصیة للامام علی بن ابی طالب*، قم: انصاریان.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). *رجال نجاشی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.